

دولت صفوی و زبان ترکی^۱

تألیف: پرفسور ترکان گنجلی
ترجمه: نصرالله صالحی

اشاره مترجم: اگر چه تا کنون به مسائل عصر صفوی، از جنبه های مختلف پرداخته شده است ولی با این حال، مسئله «زبان» در این دوره از تاریخ ایران، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این که وضعیت زبان فارسی و ترکی و دیگر زبان ها و لهجه های متداول در این دوره چگونه بوده است، نیاز به انجام پژوهش های جدیدتر و دقیقتر دارد. آنچه که از منابع عصر صفوی به ویژه سفرنامه های اروپاییان بر می آید این است که در این دوره، زبان دربار و درباریان و نیز سپاهیان، زبان ترکی بوده است. شاهان صفوی همچون دیگر رجال و دولتمردان به این زبان سخن می گفته اند. البته زبان فارسی و عربی نیز داری جایگاه خاص خود بوده اند. تاورنیه و شاردن هر دو راجع به نوع کاربرد سه زبان اصلی رایج در ایران دوره صفوی، سخن مشابهی به زبان آورده اند. آنها می نویسند: در ایران، «فارسی» زبان ملاحظت، «عربی» زبان فصاحت، و «ترکی» زبان سیاست است.

پرفسور گنجلی در مقاله حاضر کوشیده است تا با استناد به سفرنامه های اروپاییان و دیگر منابع تاریخی و ادبی عصر صفوی، نشان دهد که در دوره صفوی، زبان ترکی بدون آن که حساسیتی نسبت به آن وجود داشته باشد، در کنار زبان فارسی، کاملاً رواج داشته است.

۱. نوشتار حاضر ترجمه مقاله ای است با عنوان: «Safaviler Devleti Ve Türk Dili» که در مجله Azərbaycan Türk Kültür Dergisi, ۳۴۷:Yıl ۵۱ که در ترکیه انتشار می یابد، منتشر شده است.

شاه اسماعیل بعد از شکست دادن الوند میرزا آق قویونلو در نزدیکی نخجوان، دولت صفویان^۱ را در شهر تبریز که از گذشته‌های دور مرکز مدنیت آذربایجان بود، تأسیس و آن شهر را به عنوان پایتخت دولت جدید اعلان کرد. فرزند شاه اسماعیل - شاه طهماسب - به واسطه تهدید عثمانیان و ایجاد مصونیت، پایتخت را به قزوین منتقل کرد. شاه عباس اول نیز، پایتخت را به اصفهان انتقال داد. با تغییر پایتخت از شهر تبریز که برای ترکان مرکزیت داشت، به اصفهان که فارس ها جمعیت غالب آن را تشکیل می دادند، به تدریج از اهمیت سیاسی و فرهنگی تبریز تا حد زیادی کاسته شد. از طرف دیگر، با شروع اصلاحات نظامی شاه عباس، اهمیت سپاهیان قزلباش نیز رو به افول گذاشت.

اما در مقابل، از آنجا که زبان مادری شاهان صفوی و قزلباشان، ترکی بود، در پایتخت جدید نیز همچون تبریز و قزوین رواج و تأثیر زبان ترکی همچنان ادامه یافت. زبان ساکنان محله عباس آباد اصفهان از گذشته نیز ترکی بود. این محله که در غرب اصفهان قرار داشت، برای اقامت گزیدن تبریزی ها احداث شده بود. در آثار سیاحان اروپایی و نیز بعضی از مأموران اروپایی مقیم ایران راجع به زبان ترکی آگاهی های قابل توجهی وجود دارد. این آگاهی ها هم ناظر بر موضوع زبان و نژاد است و هم بر اهمیت و ارزش زبان ترکی در این دوره دلالت دارد. پیتر دلاواله به عنوان سیاح مشهوری که دو سال در استانبول اقامت گزید و زبان ترکی را آموخت، در ۱۸ دسامبر سال ۱۶۱۷ (۱۰۲۶ ق.) در نامه ای از اصفهان به دوست اش ماریو اسکینیانو می نویسد: «در قلمرو دولت صفوی بیش از زبان فارسی، ترکی صحبت می شود، به ویژه در دربار و در میان رجال درباری... فقط، اتباع ترک زبان دولت صفوی نیستند که ترکی را بر فارسی ترجیح می دهند و به این زبان ارزش بیشتری قائله‌اند. یکی از دلایل این امر این است که بیشتر اتباع دولت صفوی ترک اند و دلیل دیگر آن که تمام اردوی قزلباش زبانشان ترکی است. حتی غلامان و خدمتکاران پادشاه ترکی صحبت میکنند و زبان فارسی را نمی‌دانند. به این دلیل نیز امرای اردو در تماس دائم با پادشاه برای سهولت در تفهیم مطالب به زبان ترکی صحبت میکنند. از این رو زبان ترکی در دربار، به ویژه در میان زنان دربار تنها وسیله منحصر تفاهم و ارتباط محسوب می‌شود.»^۲

دلاواله در این نامه به زبان فارسی به عنوان زبان نوشتاری نیز اشاراتی دارد. در ماه مه ۱۶۱۸ (۱۰۲۷ ق.) در اشاره به دیداری که با شاه عباس داشته می‌نویسد: «شاه بعد از این که مرا به نشستن امر داد در باره علت سفرم و مناطقی را که سیاحت کرده ام به زبان ترکی سؤال کرد. من به اجمال به پرسش شاه پاسخ گفتم. شاه بنا به عادت آنچه را که از من می شنید به فارسی بر میگردداند و به اطرافیان اش می گفت... به سبب آن که من به لهجه ترکی استانبولی صحبت می کردم شاه بعضی از حرف های مرا متوجه نمی‌شد و ناچار به تکرار جوابی که داده بودم می شدم.»^۳

۱. مؤلف در متن مقاله، «دولت ترک صفوی» نوشته است.

2. Viaggi di Pietro Della Vale, ed, F. Gaeta, I (Roma, 1972), 8
3. Aynı Kaynak s. 236.

این مؤلف در طی اقامت خود در ایران حتی شعری نیز به ترکی گفته بود. در ۱۶۲۰ باره دستور زبان ترکی کتاب مفیدی نوشته و در مقدمه آن در باب اهمیت زبان ترکی و گستردگی جغرافیایی این زبان و ضرورت یادگیری آن سخن گفته او، جغرافیای زبان ترکی شامل قلمرو دولت قزلباشان (ایران، بغداد، افغانستان، قفقاز)، امپراطوری عثمانی (اروپا، آفریقا، آسیای صغیر، بالکان)، آسیای مرکزی (ترکستان)، و مناطقی دیگری می شد که ترکان در آن جا زندگی میکردند.^{۲/۱}

آدام اولناریوس دیگر اروپایی مطلعی است که از سوی امپراطور فردریک فون هولشتاین به عنوان ایلچی کبیر آلمان به روسیه و ایران مأموریت یافت. این شخص از ماه نوامبر تا فوریه ۱۶۳۸ (۱۰۴۷ ق.م) در ایران به سر برد. اولناریوس در ضمن توصیف ضیافتی که شاه به افتخار سفرای کبری ترتیب داده بود، می نویسد: «بعد از اتمام ضیافت رئیس ایشیک آقاسی به زبان ترکی و با صدای بلند گفت: به برکت این سفره و دولت شاه و قدرت غازیان، الله الله می گوئیم. حاضران در ضیافت با هم در یک زمان تکرار کردند: الله، الله»^۳

همین مؤلف می نویسد: کسانی که در دستگاه دولت صفوی بودند، به ویژه در ایالات شروان، آذربایجان، عراق، بغداد و کسانی که در ایران زندگی می کردند به فرزندانشان ترکی می آموختند. وی در ادامه می گوید: زبان ترکی در پایتخت صفویان (اصفهان) به قدری رایج است که با زحمت می توان در این شهر به فارسی سخنی شنید.^۴ همین مؤلف باز در ادامه می گوید: اتباع دولت صفوی به ترکی و فارسی شعر می خوانند. اشعار عمادالدین نسیمی، نوایی و فضولی را به ترکی و اشعار فردوسی، حافظ و سعدی را به فارسی می خوانند.^۵

ژان شاردن که در قرن یازدهم در ایران بوده می نویسد: تنها اگر از ابهر به طرف شهرها و روستاهای جنوبی حرکت کنیم، رواج زبان فارسی را خواهیم دید، هر چند باز زبان ترکی به مانند ابهر در این مناطق هم رایج است. اما این ترکی با زبان ترکی عثمانی از لحاظ لهجه کمی تفاوت دارد.^۶ شاردن در بخشی از سیاحتنامه خود که مربوط به بحث زبان ها است، می نویسد: «در دولت صفوی زبان رایج در دربار و در اردو ترکی است. زنان و مردان که در دستگاه دولت اند همگی به ترکی صحبت می کنند. علت این امر، این است که خاندان صفوی به ترکمنان نسب می برند و زبان مادری ترکمن ها، ترکی است.^۷

سانسون که در ۱۶۸۳ (۱۰۹۴ ق.م) به ایران آمده و به مدت سه سال در اصفهان زیسته بود، می گوید:

1. Ettore Rossi, *Versi turchi e altri scritti inediti di Pietro Della Vale*, RSO, 22 1974. 92-98.
2. Ettore Rossi, *importanza deli, inedita grammatica turca di Pietro Della Vale*, Ani del XDC Congresso internazionale degli Orientaliti, (Roma, 1993) 203.
3. Adam Olearius, *Vennehrte neue Beschreibung der muscovitischen und Persiachen Reyse*, (Schleswig, 1656) S.512.
4. Ayni kaynak. S.616. Ayni kaynak.S624.
5. Ayni Kaynak.S. 624.
6. *Voyages du Chevalien en Perse* (Paris, 1811), II,385-386.
7. Ayni kaynak. 4. kitab, s. 238.

همگان در هنگام سخن گفتن این عبارت را به ترکی می گویند: «قربان پادشاه، دین و ایمانم پادشاه، فدای سر پادشاه شوم.»^۱

رافائل دومان که در سال ۱۶۴۴ (۱۰۵۴ ق.) در رأس هیأتی وارد پایتخت صفویان شده و در همان شهر درگذشته در کتابی با عنوان «وضعیت صفویه» که در ۱۶۶۰ (۱۰۷۰ ق.) انتشار یافته راجع به زبان ترکی و فارسی در دوره صفوی می نویسد: «زبان فارسی فقط در خارج از دربار صحبت می شود، در حالی که زبان ترکی هم در دربار و هم در خارج از دربار صحبت می شود.» این مؤلف زبان ترکی را از جهت دستوری با زبان یونانی و لاتینی مقایسه کرده می نویسد: «زبان ترکی از لحاظ دستوری در قیاس با زبان لاتینی و یونانی هیچ نقص و کاستی ندارد. از طرف دیگر در زبان ترکی همچون زبان لاتینی، افعال بی قاعده وجود ندارد. اشتقاق اسامی و افعال در زبان ترکی تابع قاعده معین و مشخصی است.»^۲ همین مؤلف در ۱۶۸۴ (۱۰۹۵ ق.) در باره دستور زبان ترکی و ویژگی آن رساله ای نوشته است. وی در این رساله راجع به وضعیت زبان ترکی در دوره صفوی اطلاعات ارزشمندی در اختیار گذاشته است.^۳

انگلبرت کمپفر آلمانی که طبیب و منشی مخصوص ایلچی ارشد سوئد بوده و در سال ۱۶۸۴ (۱۰۹۵ ق.) همراه با یک هیأت سیاسی از سوئد راهی دیار صفویان شده در سفرنامه اش راجع به زبان ترکی می نویسد: زبان ترکی که در دربار صفویان در اصفهان بدان صحبت می شود، بیش از آن که زبان اهالی اصفهان باشد زبان مادری خاندان سلطنتی است. زبان ترکی در دربار صفویان و در میان اشراف دیوان سالار از چنان شأن و حرمتی برخوردار است که اگر دولتمردی نتواند بدان زبان سخن راند، بدو به چشم حقارت مینگردند.^۴ در اصفهان دوران صفویان فرهنگ لغتی به سه زبان ترکی، ایتالیایی و فارسی تهیه و تدوین شده که اکنون موجود است.^۵ این کتاب توسط یک راهب فرقه کاپوسین به نام رافائل دومان تحریر و تدوین شده است. این اثر به خودی خود مبین اهمیت زیاد زبان ترکی برای مبلغان دینی اروپایی است. این کتاب حاوی لغتهایی است که در گفتگوهای روزانه به کار می رفته است. محمد طاهر وحید وقایع نویس، در سال ۱۰۷۰ قمری و در زمان سلطنت شاه عباس دوم می نویسد: «پادشاه عالیجاه در هنگام بازگشت مصطفی پاشا به وطن خود، برای حفظ اعتماد او با خط شریف خود خطاب به بیگلربیگی شروان، منوچهر خان، امان نامهای تحریر نمود.^۶ اسلوب و شیوه نگارش این امان نامه همانند احکام و فرامین ترکی رایج در دوره شاه اسماعیل

1. P. sanson, *Estat Present du Royaume de Perse* (Paris, 1694), S.137.
 2. Raphael du Mans, *Estat de la Perse en lan 1660* (Paris.1890), 134aaq.
 3. Hakiniz: T.Gandjei, *Turcica Agemica*, London, 1989.
 4. Engelbert Kaempfer, *Amoenitatum exoticatum politico-phsico-medicacrum Fasciculi V*, (Lemgoviae, 1712), S.144.
 5. A. Bodroligeti, *On the Turkish Vocabulare of the Isfahan Anonymous*, *Acta Orient. Hung.* 21 (1968), S. 15/13.
 6. محمد طاهر وحید(قزوینی): عباس نامه، به اهتمام ابراهیم دهگان، اراک، ۱۳۲۹، ص. ۲۵۵.

و شاه طهماسب بود.^۱ زبان این نوشته ها که زبان محاوره روزانه است، با زبان نوشته های عهد شاه عباس به بعد که از شیوه زبان عثمانی تأثیر پذیرفته و در مراسله میان دولت صفویان و اروپائیان به کار رفته، زبانی است میان آن زبان محاوره و این زبان مکاتبه. یعنی زبان آن مکتوب ها، معجونی است از زبان ترکی غربی (عثمانی) و ترکی شرقی (صفوی). محض نمونه می توان به دو مکتوب زیر اشاره کرد:

۱- مکتوب شاه صفی به پادشاه امپراطوری اطریش و مجارستان، فردیناند دوم.

۲- مکتوب شاه سلطان حسین به فردریک اکسدوکس، دوک ساکسونیا و پادشاه لهستان.^۲

در تذکره های نویسندگان عثمانی که در آن ها به مقایسه اسلوب شعر فضولی و شیوه شعرای عثمانی پرداخته شده، به گونه ای مبهم سخن رفته است.^۳ از نگاه من، آن ها به تفاوت های موجود در میان دو لهجه ادبی توجه لازم را مبذول نکرده اند. فضولی که از ایل بیات بود خود را ترک و زبانش را ترکی معرفی می کند.^۴ او از شاعران منطقه روم عثمانی و نیز شاعران عصر تیموری به عنوان فصیحی تاتار یاد می کند.^۵ نخستین بار، صادقی، در اشاره به دو لهجه فوق الذکر از اصطلاح متکلمان قزلباش سود جست.^۶ اصطلاح زبان قزلباش در عصر صفویان برای زبان ترکی رایج به کار می رفت. این مسأله ناشی از این امر بود که در تشکیل دولت صفویان، قزلباشان آناتولی نقشی اساسی داشتند. بعد از انقراض صفویان، قزلباشگیری نیز از آن جهت که دارای هویت سیاسی و مذهبی بود، رواج خود را از دست داد و در طول زمان از بین رفت.

بر خلاف اظهار نظر برخی از نویسندگان، شاهان صفوی حامی شعر و ادبیات بودند. بعضی از شاهان و شاهزادگان صفوی، خود را شاعر ذواللسان [دو زبانه] می دانستند. آن ها به ترکی و فارسی شعر می سرودند و نویسندگان و شاعران را مورد تشویق قرار می دادند.^۷ شاه عباس اول از یک طرف اصرار بر ترجمه کتاب «مخزن» اثر شاعر مشهور جغتایی و [اثر] شفایی به زبان فارسی داشت^۸ و از طرف دیگر از صادقی که ریاست کتابخانه سلطنتی را بر عهده داشت می خواست که مثنوی مولانا جلال الدین را به ترکی ترجمه کند.^۹

۱. برای آگاهی از متن این دو مکتوب نگاه کنید به:

L. Fekete Tiflis'te Philologia Orientalis'te 1973

۲. این نامه ها انتشار یافته است. نگاه کنید به:

İran şahlaruun iki Türkçe mektubu, TM, V-VI (1934-36), 269-247.

۳. تذکره لطیفی، نسخه خطی موجود در موزه بریتانیا، شماره ۱۷۳۳۹، برگ ۷۶.

۴. فضولی در یکی از رباعیات ترکی خود در باره سه زبان ترکی، عربی و فارسی می گوید:

۵. کلیات فضولی، استانبول، ۱۹۲۴، ص. ۶-۷.

۶. کلیات صادقی، نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی تبریز، شماره، ۱۰۲۲.

۷. فخری هروی: روضة السلاطین، تصحیح خیام پور، تبریز، ۱۳۴۵، ۴-۲۱-۱۲-۲۸. و صادقی: مجمع الخواص،

تصحیح و ترجمه، خیام پور، تبریز، ۱۳۲۷، ص ۲۴.

۸. نصرالله فلسفی: زندگی شاه عباس اول، تهران، ۱۳۲۴، ج ۲، ص ۳۹.

۹. کلیات صادقی، ۱۰۲۱-۲۲.

در دربار صفویان مقام ملک الشعرائی یک مقام و مرتبه رسمی بود. وظیفه ملک الشعرا این بود که یک روز پیش از نوروز در مدح و ثنای بهار و پادشاه قصیده های عالی، عمیق و زیبا بگوید و در هنگام فرا رسیدن عید نوروز شاعر می بایست در یک اجتماع بزرگ و رسمی، بهترین قصیده اش را به شاه تقدیم کند. در این قصیده به اصل و نسب و اخلاف شاه و عمارت ها و سراهای ساخته شده توسط شاه به نحوی شایسته اشاره شود.^۱

در دیوان تاثیر تبریزی، که مدتی محاسب دربار صفویان بوده، علاوه بر غزل های ترکی قصیده ها و مثنوی هایی نیز به زبان ترکی وجود دارد. از نام منظومه های زیر چنین دانسته می شود که او در دوره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین، ملک الشعرا ی ترکی گوی دربار آن ها بوده است.

- قصیده ترکی که به نواب اشرف اقدس اعلی، شاه سلیمان صفوی تقدیم شده است.

- قصیده ترکی که به مناسبت به تخت سلطنت نشستن شاه سلطان حسین صفوی سروده شده است.

- ترجیع بند ترکی تقدیم شده به حضرت نواب

- مثنویه ترکی عبیده

- غزل ترکی که به محضر شاهزاده سلطان اکبر اورنگ تقدیم شده و مقبول طبع او واقع شده است.^۲

در تذکره های عصر صفوی نام شمار زیادی از شاعران و نمونه هایی از اشعار آن ها آمده است. از این دست شاعران، دیوان های ترکی و یا اشعار ترکی قابل ملاحظه ای وجود دارد. آن ها به واسطه فعالیت های ادبی که در اصفهان داشته اند با دربار صفویان ارتباط یافته اند. این شاعران را بر حسب اشعار ترکی و فارسی که سروده اند این گونه می توان تقسیم کرد:

الف) شاعرانی که اشعار فارسی و ترکی گفته اند و به این دو زبان دیوان داشته اند، نظیر: امانی و صادقی.

ب) شاعرانی که حجم زیادی از اشعارشان فارسی و تنها کمی از شعرهایشان به زبان ترکی بوده است. نظیر: صائب تبریزی (دارای ۱۷ غزل ترکی)، واعظ قزوینی (دارای ۹ غزل ترکی)، تاثیر تبریزی (کلیات این شاعر که مشتمل بر قصاید و غزلیات او است، «ترکیات» اش، ۴۴۷ بیت می شود).

۱. دستورالملوک میرزا رفیعا، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، (مجله) دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره، ۱۳۲۴، ش ۶۸، ص ۴۲۴.

۲. کلیات تاثیر، نسخه خطی موجود در مدرسه عالی سپهسالار. برای آگاهی تفصیلی راجع به این نسخه خطی نگاه کنید به فهرست همین کتابخانه، به کوشش یوسف شیرازی، تهران، ۱۳۱۶-۱۸، ص ۵۳۷-۷۶.